

## کشورهای در حال گذار ۲۰۰۷

ایران  
استفان سی فرینکس

پایتخت: تهران  
جمعیت: ۷۰/۳ میلیون نفر  
درآمد سرانه ناخالص ملی: ۲۶۰۰ دلار

حساب امتیازات*	۲۰۰۵	۲۰۰۷
پاسخگویی و خواست عمومی	۱/۷۵	۱/۶۳
آزادی‌های مدنی	۱/۸۹	۱/۷۴
حکومت قانون	۲/۷۰	۲/۱۷
مبارزه با فساد و شفافیت	۱/۷۳	۱/۸۵

## مقدمه

انقلاب اسلامی آیت‌الله روح‌الله خمینی در نتیجه‌ی شرکت میلیونی مردم به پیروزی رسید. ولی روحانیونی که بعد از انقلاب زمام امور را در دست گرفتند، از پذیرش مسئولیت در قبال همین مردم سر باز زدند. قدرت روحانیون شیعه‌ای که بر ایران حکومت می‌کنند، و ادعای نمایندگی از جانب خداوند را دارند، به وسیله‌ی قانون اساسی و سیستم مربوط به آن تقویت می‌شود. رهبر انقلاب که مستقیماً به وسیله‌ی مردم انتخاب نمی‌شود، در رأس هرم قدرت نشسته است. وی توسط شورای نگهبان پشتیبانی می‌شود که شورایی متشکل از روحانیون و حقوق‌دانان غیرانتخابی و منتصب است. این شورا لایحه‌های اصلاح‌طلبانه را وتو کرده و صلاحیت داوطلبان سمت‌های انتخابی را تأیید یا رد می‌کند.

سیستم سیاسی ایران از ۱۹۷۹ به این سو به وسیله‌ی روحانیون و سیاستمداران محافظه‌کار اداره می‌شود. این عده همواره تلاش کرده‌اند که ارزش‌های اسلامی و انقلابی را حفظ کرده و خود را در قدرت نگاه دارند. نتیجه‌ی این تلاشی رژیم خودکامه است که از مردم اطاعت از قوانین سنتی اسلامی را طلب می‌کند و در این راه از دخالت در زندگی خصوصی مردم و تعیین نحوه‌ی معاشرت آنان با یکدیگر نیز در نمی‌گذرد. این رژیم مخالف بسیاری از دست‌آوردهای مدرنیته است و جامعه‌ی باز را بر نمی‌تابد.

بسیاری از بخش‌های جامعه‌ی ایران از این تسلط شیعی و مردسالارانه زیان دیده‌اند و می‌بینند. قوانین تحمیلی اسلامی موجب شده است که بسیاری از زنان نتوانند نقشی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی ایفا کنند. بده-بستان‌های سیاسی با اقلیت‌های مذهبی مانند سنی‌ها به ندرت و با محدودیت انجام می‌شود و اقلیت‌های قومی مانند کردها، عرب‌ها و بلوچ‌ها، که تقریباً نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، حق مشارکت پایینی در امور سیاسی دارند.

در اواخر دهه‌ی نود میلادی هواداران اصلاحات و حامیان جامعه‌ی مدنی دست‌آوردهای قابل ملاحظه‌ای داشتند. اینک اما تلاش اینان برای تقویت آزادی‌های مدنی و ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت مردم در اداره‌ی کشور با سد و مانع مواجه شده است.

نهضت اصلاح‌طلبی رییس‌جمهوری، خاتمی، که در سال ۱۹۹۷ شروع شده بود با پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۴ و ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ به شکست انجامید. واکنش منفی نیروهای تازه به قدرت رسیده نسبت به برنامه‌های اصلاحی قابل پیش‌بینی بود. محافظه‌کاران باز شدن تدریجی فضای جامعه را خطری برای خود به شمار می‌آوردند و به تجربه‌ی فروپاشی اتحاد شوروی و اروپای شرقی نظر داشتند. خود اصلاح‌طلبان اعتراف

\* حساب امتیازات جدولی بین صفر و هفت است. صفر به پایین‌ترین و هفت به بالاترین کارایی تعلق می‌گیرد.

می‌کردند که علت از دست دادن محبوبیتشان در بین عامه‌ی مردم تمرکز نابهنگام و زودرس‌شان بر اصلاحات سیاسی و غافل ماندن از اقتصاد و نیازهای ابتدایی مردم بوده است.

جنبش اصلاح‌طلبی، علی‌رغم اخراج اصلاح‌طلبان از قدرت، هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. ناراضیان سیاسی کماکان به انتقادهای خود از سیاست‌های دولت ادامه می‌دهند، هر چند روزنامه‌نگاران، دانشجویان، روشنفکران و مدافعان حقوق بشر با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند و برای نیافتادن در دام سرکوب رژیم، گونه‌های «خود-خویش‌تنداری» را در رفتار حرفه‌ای خود به کار می‌بندند.

پیشرفت‌های به دست آمده در عراق و افغانستان حس ناامنی رژیم را تشدید کرده و تمایلات سرکوبگرانه‌ی آن را افزایش داده‌است. روحانیون حاکم، بیمناک از این پندار که واشنگتن در پی سرنگون کردن آنان است، آزادی بیان را از آن که بود نیز محدودتر کرده‌اند و به هر گونه مشارکت سیاسی با نیروهای «غیر خودی» با بی‌اعتمادی می‌نگرند.

با این وجود، حیطه‌ی سیاست در ایران هنوز حیطه‌ای پویا و پرنرژی است. میزان اشتراک مساعی مردم در رأی‌گیری‌ها بسیار بالاست و نشان می‌دهد که ایرانی‌ها، علی‌رغم سنگ اندازی‌های روحانیان حاکم و بی‌لیاقتی اولیای امور، از کمترین امکان و فرصتی برای شرکت در روندهای دمکراتیک استفاده می‌کنند.

حتی در چارچوب‌های انتخاباتی محدودی که لزوم تأیید صلاحیت کاندیداها به وجود آورده، نتیجه‌ی انتخابات غیرقابل پیش‌بینی است. حضور بی‌شمار احزاب سیاسی، که البته اگر با استانداردهای غربی بسنجیم معمولاً احزابی بی‌دوام و ناکار هستند، سکوی مهمی برای بحث و جدل سیاسی ایجاد کرده است.

جزر و مد مدام آب‌های سیاست در ایران، کشتی احمدی نژاد و متحدان تندروی او را با تلاطمی جدی روبرو ساخته است. شکست فاحش هواداران سیاسی او در انتخابات سراسری دسامبر ۲۰۰۶ از پی انتقادهای بی‌وقفه از سیاست‌های دولت وی در رسانه‌ها آمد.

## پاسخگویی و خواست عمومی

قوانین انتخاباتی آزاد و عادلانه: ۱,۷۵  
دولت کارآمد و مسئول: ۱,۷۵  
مشارکت مدنی و دیده بانی مدنی: ۲  
استقلال رسانه‌ها و آزادی بیان: ۱  
میانگین: ۱,۶۳

سیستم حکومتی ایران برای دایمی کردن تسلط روحانیون شیعه طراحی شده است. کاندیداهای انتخاباتی باید اول وفاداری خود را به اصل ولایت فقیه اعلام کنند. بنا به این اصل، تنها متخصصان درجه بالای مذهبی شایستگی حکومت کردن دارند. این اصل به آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر مدام‌العمر جمهوری اسلامی، قدرت بی‌پایانی اعطا می‌کند. و این در حالی است که اعتبار فقهی و مذهبی او بمراتب پایین‌تر از سلف خود، آیت‌الله خمینی است.

انتخابات سراسری برای مردم همچون مسکنی در مقابل حکومت استبدادی و مهره‌های غیرانتخابی‌اش محسوب می‌شود. با برگزاری انتخابات، رژیم خداسالار در پی کسب مشروعیت مردمی است تا بنیادش تنها متکی به ادعایش مبنی بر گرفتن قدرت از خداوند نباشد. مردم با شرکت در انتخابات، کاندیداهای رسمی و تأیید شده‌ای را برای احراز پست ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس، شوراهای محلی و مجلس خبرگان (نهادهی که مسئول گزینش رهبر است) برمی‌گزینند؛ اما در عین حال با شرکت در این روند کنترل شده، به درکی از مفهوم مشارکت دمکراتیک نیز می‌رسند.

در ایران شرکت در انتخابات برای عموم آزاد است و حق رأی ربطی به جنسیت یا قومیت ندارد. تا ژانویه ۲۰۰۷ سن قانونی رأی ۱۵ سال بود. در این تاریخ رژیم سن قانونی را به ۱۸ افزایش داد چرا که اصلاح‌طلبی در بین جوانان از محبوبیت بسیاری برخوردار شده بود.

یک لایحه‌ی فراگیر انتخاباتی که از اوت ۲۰۰۶ به این سو به وسیله‌ی وزارت کشور و مجلس در حال بررسی است، قصد تدوین آیین‌نامه‌ی انتخاباتی را دارد. تصویب این لایحه هنوز نامشخص است. ۱ یکی از مواد مورد بحث در این لایحه، ضروری کردن داشتن یک مدرک دانشگاهی و پنج سال تجربه‌ی کار در سطح اجرایی برای نمایندگی در مجلس است. مخالفان استدلال می‌کنند که این لایحه روند مشارکت دمکراتیک در مناطق دورافتاده و روستایی را محدود می‌کند؛ چرا که در این مناطق کمتر کسی مدرک دانشگاهی دارد. ۲

تأمین هزینه‌ی کمپین‌های انتخاباتی به صورت شفاف صورت نمی‌گیرد و در غیاب قوانینی که به این امر بپردازد، هیچ مانعی در راه جلوگیری از تأثیر گروه‌های مالی بزرگ بر روند انتخابات وجود ندارد. برخی از سازمان‌های فعال متعلق به روحانیت مانند «جامعه‌ی روحانیت مبارز» و «جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم» همواره از کاندیداهای مطلوب خود پشتیبانی می‌کنند. آن‌ها به منابع بسیاری که حاصل اختصاص خمس و زکات و کمک‌های مالی به مساجد، دسترسی دارند. اما این که اینان چگونه و در چه حد از این منابع برای کمک به کاندیداهای محبوب خود استفاده می‌کنند، روشن نیست.

هیچ اطلاعاتی پیرامون کمک‌گروه‌های تجاری، ارتش یا سازمان‌های دولتی به کمپین‌های انتخاباتی در دست نیست. تنها گاهی رسانه‌ها به طور غیرمستقیم به کمک شهرداری تهران به کاندیداهای مورد اعتماد خود اشاره می‌کنند.

رأی‌گیری به صورت مخفی صورت می‌گیرد و بر روند آن به وسیله‌ی مأموران وزارت کشور و اعضای بسیج نظارت می‌شود. تعدادی از گروه‌های اصلاح‌طلب به تقلبات گسترده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵ و انتخابات شوراهای محلی در دسامبر ۲۰۰۶ اشاره و اعتراض کرده‌اند. خود وزارت دادگستری به ۲۹۰ فقره تقلب در انتخابات حوزه‌ی تهران اعتراف کرده است. ۳ سخنگوی مهمترین ائتلاف اصلاح‌طلبان شکایت کرده است که سازمان نظارت بر انتخابات به درخواست آنان برای شمارش مجدد آرا و قعی نگذاشته و وزیر کشور به نگرانی‌های ابراز شده از سوی خاتمی، رییس جمهوری پیشین، هاشمی رفسنجانی، رییس جمهوری اسبق، و مهدی کروبی، سخنگوی پیشین مجلس، پیرامون این مسئله بی‌اعتنایی کرده است.

از نظر دور نباید داشت که رقابتی واقعی میان دو گروه محافظه‌کار و اصلاح‌طلب در جریان است. هر دوی این گروه‌ها که از ترکیبی از روحانیان و افراد غیرروحانی تشکیل شده‌اند، به نظام حاکم وفادارند. محافظه‌کاران که خود را «اصولگرا» می‌نامند، روند تصمیم‌گیری سیاسی را در ایران در کنترل دارند و بازگشت به ارزش‌های انقلابی را تبلیغ می‌کنند. اصلاح‌طلبان خواهان رفم‌های دمکراتیک، آزادی بیان بیشتر، کاهش محدودیت‌های اجتماعی و تشنج‌زدایی در روابط بین‌المللی هستند.

قدرت در میان محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان به گونه‌ای محدود، و گاه در پی انتخاباتی پرتنش و خصومت آمیز، دست به دست می‌شود. با این وجود، دخالت نهادهای غیرانتخابی نزدیک به رهبری موجب شده است که محافظه‌کاران از سال ۲۰۰۴ به این سو قدرت را در دست داشته باشند و این به نوبه‌ی خود موجب بستگی بیشتر فضای سیاسی شده و حق انتخاب را به شدت محدود کرده است.

کاندیدها اجازه دارند که پوسترها و اعلانات تبلیغی خود را در مراکز عمومی نصب کنند. با این وجود فرصت‌های تبلیغاتی به یکسان در اختیار هر دو گروه قرار نمی‌گیرد. کاندیداهای اصلاح‌طلب معترضند که برخلاف کاندیداهای محافظه‌کار به آنان اجازه‌ی برگزاری راه پیمایی و سخنرانی در دانشگاه‌ها داده نمی‌شود.

بخش محافظه‌کار رژیم به احزاب و گروه‌هایی که می‌توانند فضای سیاسی را باز کنند، با بی‌اعتمادی کامل نگاه می‌کند. نهضت آزادی، حزبی لیبرال-اسلامی که از یک نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کند ولی طرفدار حاکمیت روحانیت نیست، از شرکت در انتخابات منع شده است. در ایران هیچ حزب سکولاری اجازه‌ی فعالیت سیاسی ندارد.

با این وجود، بیشتر از ۲۰۰ حزب سیاسی در کشور وجود دارد و سواى این‌ها گروه‌های قدرتمندی نیز مانند گروه محافظه‌کار «روحانیت مبارز» هستند که نفوذ سیاسی دارند. احزاب سیاسی معمولاً اعضای بسیار کمی دارند و قدرت و اهمیت‌شان را از حضور عده‌ای سیاست‌مدار شناخته شده در بین خود می‌گیرند. خارج از حیطه‌ی فعالیت‌های انتخاباتی، این احزاب معمولاً غیرفعال هستند. تقریباً تمامی این احزاب در تهران تمرکز یافته‌اند؛ هر چند که در سال‌های اخیر برخی از آنان به تأسیس شعبه‌هایی در شهرستان‌ها نیز پرداخته‌اند. هنگام انتخابات، این احزاب در جهت تشکیل ائتلاف تلاش می‌کنند، ولی رقابت‌های سیاسی میان آن‌ها تندتر و خصومت‌آمیزتر از آن است که بتوانند به جز همکاری موقتی و گذرا به چیز دیگری بیانديشند.

احزاب سیاسی در ایران در ترویج دموکراسی ناموفق بوده‌اند. یکی از وظایف معدود آنان پشتیبانی از کاندیدا یا کاندیداهایی خاص در هنگام انتخابات است اما در همین زمینه نیز برخی از آنان قادر به انجام وظیفه و رسیدن به رأی و مشترک نیستند. احزاب سیاسی به ندرت بر روی برنامه‌های مشخص به توافق نظر می‌رسند. به همین دلیل بسیاری از رأی‌دهندگان نمی‌دانند که کاندیداها به طور دقیق از چه دفاع کرده یا با چه مخالفت می‌ورزند.

محمود احمدی نژاد بدون پشتیبانی احزاب رسمی به قدرت رسید و امروز خود کمتر علاقه‌ای به احزاب سیاسی نشان می‌دهد. وزیر فرهنگ کابینه‌ی وی اخیراً به شدت مورد انتقاد قرار گرفت؛ چرا که در ژانویه‌ی ۲۰۰۷ گفته بود «در ایران نیروهای بسیجی و فرهنگ شهادت هم به لحاظ سازمانی و هم ایدئولوژیک جایگزین احزاب سیاسی شده‌اند». ۴

شورای ۱۲ نفره‌ی نگهبان گزینه‌های سیاسی مردم ایران را تعیین کرده و از این طریق آنان را محدود می‌کند. رهبر کشور، آیت‌الله خامنه‌ای، نیمی از اعضای شورای نگهبان را انتخاب می‌کند. نیمی دیگر را رییس قوه‌ی قضاییه، که خود برگزیده رهبر است، با تأیید مجلس منصوب می‌کند. شورای نگهبان مطابقت مصوبات مجلس را با قوانین اسلامی و قانون اساسی تعیین می‌کند. این شورا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، یعنی زمانی که اصلاح‌طلبان در مجلس قدرت داشتند، بیشتر مصوبات مجلس را رد کرد.

قدرت ضد دموکراتیک شورای نگهبان به ویژه خود را در تأیید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و نمایندگی مجلس خبرگان نشان می‌دهد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۴ شورای نگهبان صلاحیت چهل و چهار درصد از کاندیداهای نمایندگی را، که همه از اصلاح‌طلبان بودند، رد کرد و برای این اقدام خود عدم پشتیبانی کامل این کاندیداها از سیستم اسلامی حکومت (التزام عملی به ولایت فقیه) را دلیل آورد. در سال ۲۰۰۵ همین شورا صلاحیت همه‌ی کاندیداهای اصلاح‌طلب ریاست جمهوری را رد کرد و تنها پس از اعتراضات عمومی و به دستور شخص خامنه‌ای، حاضر شد که صلاحیت تنها یکی از آنان، مصطفی معین، را تأیید کند. شکست این کاندیدا البته با بسته شدن ارگان حزب وی تنها چند هفته پیش از آغاز رأی‌گیری و در بجنوبه‌ی کارزار تبلیغاتی محرز و مبرز شد.

در جریان انتخابات مجلس خبرگان در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۶، شورای نگهبان کاندیداتوری زنان، غیرروحانیان، روحانیان جزء و همه‌ی روحانیان اصلاح‌طلب و تندرو را ممنوع اعلام کرد. در این راستا، شورا دست به برگزاری امتحانات کتبی و شفاهی بی‌سابقه‌ای در رابطه با فقه اسلامی زد و بدین وسیله همه را، جز روحانیان سنتی و محافظه‌کار، از دور انتخابات بیرون راند. همچنین، بی‌عدالتی‌هایی نیز در جریان انتخاب اعضای شوراهای شهر و روستا که به طور همزمان با انتخابات مجلس خبرگان برگزار شد، صورت گرفت. کاندیداهای این انتخابات با شدت بیشتری به وسیله‌ی هیئت نظارت بر انتخابات - که انتصابی شورای نگهبان و وزارت کشور و اطلاعات است- زیر ذربین قرار گرفتند و بسیاری از کاندیداهای اصلاح‌طلب به جرایمی مانند استفاده از مواد مخدر یا انحرافات جنسی- اتهاماتی که غیرقابل اثبات بودند- یا به دلایلی مانند پایبند نبودن به موازین اسلامی و اصل ولایت فقیه از دور بیرون رانده شدند. محسن آرمین، سیاستمدار اصلاح‌طلب می‌گوید: «احمدی نژاد وعده‌های انتخاباتی خود را زیر پا گذاشته است. وی وعده کرده بود که دیوار بازدارنده‌ی مشارکت مردم در قدرت را از میان بردارد. اما او با رسیدن به پست ریاست جمهوری دیواری بلندتر و محکمتر از دیوار قبلی بالا برد». ۵

لزوم جدایی قوه‌های سه گانه مجریه، مقننه و قضایی در قانون اساسی ذکر شده است. ولی رهبر کشور نه تنها بالاتر از این قوه‌ها قرار می‌گیرد، بلکه هیچ گونه مسئولیتی نیز برای پاسخگویی در برابر قانون ندارد. بعید به نظر می‌رسد که مجلس

خبرگان هرگز از قدرت خود برای عزل وی استفاده کند. علت آن است که اعضای مجلس خبرگان به وسیله‌ی شورای نگهبان برگزیده می‌شوند و اعضای شورای نگهبان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برگزیده‌ی شخص رهبرند!

مقوله‌ی پاسخگویی رهبر در برابر قانون در مواردی به بحث گذاشته شده اما خود وی تاکنون برای پاسخگویی به هیچ ارگانی فراخوانده نشده است. در دسامبر ۲۰۰۶ آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی، از اعضای اصولگرای مجلس خبرگان، در جلسه‌ای به طرفداران خود گفت: "پاسخگویی در برابر قانون یکی از ملزومات دموکراسی و شایسته‌ی مقام ریاست جمهوری است و اما شامل حال رهبر نمی‌شود، چرا که وی برگزیده‌ی خداست و جایگاهی بالاتر از قانون اساسی دارد." ۶

قوه‌ی اجرایی پاسخگوی مجلس است و وزیران کابینه در موارد متعددی مورد استیضاح قرار گرفته و حتی به جرایمی متهم شده‌اند. قوه‌ی قضاییه اما که رییس آن به وسیله‌ی رهبر برگزیده می‌شود، پاسخگوی سایر شاخه‌های قدرت نیست و دادگاه‌ها می‌توانند حتی نمایندگان مجلس را، علی‌رغم ایمنی پارلمانی‌شان، به اتهام‌هایی مانند ایراد سخنرانی در مجلس احضار کرده و مورد بازخواست قرار دهند. اخیراً، هنگامی که احمدی نژاد سخنگوی قوه‌ی قضاییه را به سمت وزیر دادگستری نیز منصوب کرد، جدایی سه قوه در معرض خطر بیشتری قرار گرفت.

خدمات اجتماعی در ایران به صورتی نامنظم، ناپیگیر و ناهمگون، و با بی‌کفایتی کامل عرضه می‌شود و سازمان‌های مسئول دچار طاعون ناشی از اولویت دادن به سربازان سابق جنگ، اعضای بسیج و بستگان روحانیان در احراز مقام‌های دفتری هستند. پارتی بازی در دوره‌ی ریاست جمهوری احمدی نژاد، و خلاف وعده‌های انتخاباتی وی، افزایش یافته است. در پایان سال اول ریاست جمهوری‌اش، احمدی نژاد متهم شد که بسیاری از پست‌های دولتی را به دوستان و همکاران سابقش در سپاه پاسداران و دانشگاه و همچنین بستگانش داده است.

به ندرت به مردم این حق داده می‌شود که در امر برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری مشارکتی داشته باشند و احزاب سیاسی و رسانه‌های مربوط به آن‌ها به ندرت تلاشی در این راه می‌کنند. این رسانه‌ها ممکن است که در مورد لایحه‌های تقدیم شده به مجلس یا طرح‌های قوه‌ی اجرایی و شورای نگهبان مطالب انتقادی بنویسند ولی اجازه ندارند که از مقام رهبری و تصمیماتش انتقاد کنند.

فعالیت مؤسسه‌های غیردولتی در ایران ممنوع نیست، اما این فعالیت‌ها ظرف سه سال گذشته به شدت محدود شده است. خوش‌بینی ناشی از تأسیس سریع این مؤسسه‌ها در زمان خاتمی جای خود را به بدبینی در دوره‌ی فعلی داده است. دولت احمدی نژاد نه تنها به این مؤسسات بی‌اعتماد است که گاه حتی با آنان آشکارا خصومت می‌وزرد. عمادالدین باقی، مدیر مؤسسه‌ی غیرانتفاعی دفاع از حقوق زندانیان، اخیراً دو دولت خاتمی و احمدی نژاد به این صورت مقایسه کرد: «وقتی که خاتمی رییس جمهور بود ما با دولت و مجلس و حتی وزارت اطلاعات در تماس بودیم و کم کم درهای بسته‌ی قوه‌ی قضاییه نیز داشت به روی ما گشوده می‌شد. با به قدرت رسیدن احمدی نژاد اما همه‌ی این ارتباطات به کل قطع شد.» ۷

طبق گفته‌ی ماشاالله شمس الواعظین، رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، تنها ده درصد ۸۳۰۰ مؤسسه غیرانتفاعی در ایران توانایی ایستادن مالی به روی پای خود را دارند و بقیه برای بقا نیازمند کمک‌های دولتی‌اند. این کمک‌ها دقیقاً همان چیزی‌ست که با به قدرت رسیدن احمدی نژاد کمتر و کمتر شده است. شمس الواعظین اضافه کرد که تهدید و اشنگتن به سرنگونی رژیم و برنامه‌ی دفاع از دموکراسی آن دولت، برخی از مؤسسه‌های غیرانتفاعی را در ایران تحت فشار قرار داده تا از ترس متهم شدن به جاسوسی برای ایالات متحده یا دریافت پول از آن فعالیت‌های خود را کاهش دهند. ۸ این بهانه‌ی مطلوبی برای تحت فشار قرار دادن و محدود کردن فعالیت سازمان‌های مدنی و جلوگیری از پشتیبانی مالی خارجی از آن‌ها به وسیله‌ی رژیم بوده است.

در رژیم احمدی نژاد آزادی بیان محدودتر شده است. روزنامه‌ها به دلایل کاملاً دلخواهی بسته شده‌اند و امنیت جانی روزنامه‌نگاران در نتیجه‌ی تهدید و حبس هر چه بیشتر در معرض خطر قرار گرفته است. با در نظر گرفتن این که بیشتر از ۱۰۰ نشریه هنگام ریاست جمهوری خاتمی بسته شده بودند، روزنامه‌نگاران با آمدن احمدی نژاد حساب کار خود را کردند و به شدت محتاط شدند. تعداد روزنامه‌های اصلاح‌طلب کمتر از روزنامه‌های محافظه‌کار است چرا که بیشتر آن‌ها به وسیله‌ی قوه‌ی محافظه‌کار قضایی ممنوع‌الانتشار شده‌اند. آن روزنامه‌هایی که باقی مانده‌اند هنوز به تبلیغ عقاید اصلاح‌طلبانه می‌پردازند ولی بردشان بمراتب کمتر از رادیو و تلویزیون است.

راديو و تلویزیون که مهمترین منبع اطلاعاتی ایرانیان محسوب می‌شود، به طور کامل در کنترل دفتر رهبری قرار دارد و تنها مجاز به بازتاب دادن نظرگاه‌های رسمی است. هیچ رسانه‌ی دیداری/شنیداری خصوصی در کشور حق فعالیت ندارد. این امر به نیروهای محافظه‌کار قدرت تبلیغی بسیار بیشتری در جریان کمپین‌های انتخاباتی می‌دهد. با این وجود نباید از نظر دور داشت که رسانه‌های الکترونیکی از تحرک و پویایی زیادی برخوردارند.

دولت احمدی نژاد در مقایسه با دولت خاتمی رواداری بمراتب کمتری در قبال نظر منفی از خود نشان می‌دهد و هر گونه انتقادی از شکست سیاست‌هایش را توهین، تهمت و دروغ می‌خواند. مشاور مطبوعاتی رییس‌جمهوری اخیراً اعلام کرد «اشاعه‌ی دروغ علیه دولت مانند تزریق سم در فضای آزادی در کشور است». ۹ چنین برخوردهایی نشان دهنده‌ی آن است که با وجود همه‌ی فشارها، رسانه‌ها در هر حال به چاپ مطالب انتقادی از احمدی نژاد و دولت‌ش می‌پردازند.

راهنمای پوشش رسانه‌ای، فتری و قابل تفسیر است و رسانه‌ها را موظف به تأیید تصمیمات غیرشفاف ارگان‌هایی مانند شورای عالی امنیت ملی و دفتر رهبری می‌کند. ابزار اصلی کنترل رسانه‌ها، هیئت نظارت بر مطبوعات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این شورا به مطبوعات جواز انتشار می‌دهد و در صورت تخلف به آن‌ها اخطار می‌کند. طبق گفته‌ی درّی نجف آبادی، دادستان کل کشور، شورا می‌تواند برخورد با نشریه‌ای را به دادگاه قضایی مطبوعات توصیه کند و این نشریه را موقتاً و تا تاریخ تشکیل دادگاه تعطیل کند. ۱۰ اصلاح‌طلبان معتقدند که شورا نظرات نیروهای هوادار احمدی نژاد را به مطبوعات تحمیل می‌کند. اما باید گفت که بعد از رویگردانی محافظه‌کاران سنتی از احمدی نژاد در اواسط سال ۲۰۰۶ شورای نظارت بر مطبوعات از سختگیری‌های خود کاسته است. ۱۱

به عنوان نمونه، حمایت از پیوندهای شفاهی بین ایران و آمریکا که سابق بر این ممنوع بود، اکنون در مطبوعات اصلاح‌طلب مطرح می‌شود. این امر در مورد انتقاد از سیاست‌های هسته‌ای دولت احمدی نژاد نیز صدق می‌کند. چنین تغییراتی در راهنمای پوشش رسانه‌ای می‌تواند ابزاری برای تغییر جهت و یا سنجش‌های برای سنجش واکنش‌های توده باشد.

روزنامه‌ی اصلاح‌طلب «شرق» شناخته شده‌ترین قربانی تلاش برای کنترل مطبوعات منتقد است. این روزنامه در پی انتشار مقالات انتقادی بی‌شماری که نقطه‌ی اوجش چاپ کاریکاتوری بود که در آن به گونه‌ای ظریف به رییس‌جمهوری توهین شده بود، در سپتامبر ۲۰۰۶ به وسیله‌ی هیئت نظارت بر مطبوعات بسته شد. دلیل این کار عدم همکاری «شرق» با شورا در تغییر هیئت مدیرانش بود. این توقیف اما موقتی بود و «شرق» کار خود را در بهار ۲۰۰۷ از سر گرفت.

روزنامه‌های کم‌اهمیت‌تری نیز که بیشتر اصلاح‌طلب بوده‌اند و تعدادی از آنها در شهرستان‌ها به چاپ می‌رسیدند، ممنوع‌الانتشار شده‌اند اما بسته شدن آن‌ها واکنش چندانی را در بین مردم برنیا نگیخته است (شاید به این دلیل که تیراژ کمی داشته‌اند). یکی از روزنامه‌های طرفدار احمدی نژاد به نام «سیاست روز» در اوایل فوریه‌ی ۲۰۰۷ به طور وقت توقیف شد اما دلایل متضادی برای آن ذکر گردید. این توقیف اما موجب اعتراض اطلاع‌طلبان شد که معتقد بودند این مورد به نقض حقوق مدنی خود آن‌ها شباهت و ربط دارد.

همراه با برخی از منتقدان سرسخت احمدی نژاد در مجلس، مطبوعات چاپی و اینترنتی اصلاح‌طلب در تابستان ۲۰۰۶ به حمله‌ی جانانه‌ای علیه دولت دست زدند. این حملات به مناسبت یکمین سالگرد به قدرت رسیدن احمدی نژاد و حول بی‌کفایتی دولت وی تدارک دیده شده بود. با شکست متحدان احمدی نژاد در انتخابات شوراهای محلی و مجلس خبرگان در دسامبر ۲۰۰۶ و همزمان با تحریم‌های قریب الوقوع سازمان ملل و تهدیدهای واشینگتن، رسانه‌ها دوباره به حمله روی آوردند و دولت احمدی نژاد را به دلیل شکست‌های اقتصادی و دیپلماسی خصمانه‌اش به زیرآتش مطبوعاتی گرفتند. «شرق» در این میان نقش اصلی را بازی کرد، اما نشریات اصلاح‌طلب دیگر نیز مانند «آفتاب یزد»، «اعتماد ملی»، «فرهنگ آشتی»، «کارگزاران» و «مردمسالاری» در میدان بودند و نقش ایفا کردند.

دادگاه مطبوعات، شاخه‌ای از قوه‌ی قضاییه که در دست محافظه‌کاران است، از اتهامات مبهم و نامشخصی مانند «توهین به مقدسات اسلامی» یا «ضربه زدن به حکومت» استفاده می‌کند تا روزنامه‌های اصلاح‌طلب را موقتاً توقیف یا تعطیل کند. چاپ هر گونه نظر منفی راجع به رهبر یا احکام اسلامی یا مفهوم جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه ممنوع است.

روزنامه‌نگاران، به ویژه آنان که جوان و بی‌تجربه‌اند، در معرض دستگیری و حبس‌های بی‌دلیل و خودسرانه قرار دارند. اینان ممکن است به دلایلی سوای تخلفات مطبوعاتی دستگیر شوند یا در حوزه‌ی قضایی مناطق دیگر مورد بازخواست قرار گیرند. مورد آرش سیگارچی، ویراستار سابق نشریه‌ی «گیلان امروز» در رشت، نشان می‌دهد که چگونه رژیم از «امنیت ملی» برای ساکت کردن روزنامه‌نگاران استفاده می‌کند. در فوریه‌ی ۲۰۰۵ سیگارچی به اتهام همکاری با دولتی «دشمن»، تحریک مردم، توهین به امام خمینی و استفاده از تبلیغات علیه رژیم به وسیله‌ی دادگاه انقلاب استان گیلان به ۱۴ سال زندان محکوم شد. مدتی بعد دادگاه استیناف مدت محکومیت او را به سه سال کاهش داد و در نهایت به وی اجازه داده شد که برای درمان سرطان خود زندان را ترک کند. ۱۲

اینترنت در دسر بزرگی برای رژیم محسوب می‌شود چرا که از کنترل کامل و مؤثر آن عاجز است. این رسانه منبع اطلاعات رسانی مهمی برای مخالفان در خارج از ایران و مهمتر از آن، معترضان در داخل کشور، به ویژه سیاستمداران به حاشیه رانده شده، محسوب می‌شود.

با وجود زندانی کردن پرسرو صدای چندین بلاگر فعال، رژیم قادر نشده که بلاگرها را از ابراز عقیده باز دارد. رژیم بر سر دوراهی سرکوب آزادی‌های اینترنتی یا استفاده از آن به مثابه‌ی سوپاپ اطمینانی برای تسکین نارضایتی مردم قرار دارد و دقیقاً نمی‌داند که چه بکند.

رسانه‌های اینترنتی در سه سال گذشته نقش به‌سزایی در متنوع کردن منابع خبری برای ایرانیان ایفا کرده‌اند. بسیاری از این رسانه‌ها گرایش‌های سیاسی دارند و دیدگاه‌های مختلف مذهبی-سیاسی از محافظه‌کار تا اصلاح‌طلب را در صفحات خود بازتاب می‌دهند. برخی، مانند «بازتاب» که در فوریه‌ی ۲۰۰۷ رسماً فیلتر شد، گرفتار تیغ سانسور رژیم شده‌اند. این رسانه که وابسته به منشی محافظه‌کار مجمع تشخیص مصلحت نظام، محسن رضایی، می‌شد به ظاهر انتقادهای سختی از مأموران حکومتی کرده بود. در سپتامبر ۲۰۰۶ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای روزنامه‌ها فهرستی از خیرگزاری‌هایی را فرستاد که آنان مجاز به استفاده به عنوان منبع خبری بودند. اسامی بسیاری خبرگزاری‌های شناخته شده از جمله «بازتاب» در این فهرست نبود.

در زمینه‌های فرهنگی، پس از شکوفایی ادبی و هنری دوره‌ی خاتمی، عقب‌گردهایی صورت گرفته است. موسیقی در ایران تحت نظارت موشکافانه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، صفار هرنندی، که تلاش می‌کند تأثیرهای غربی از موسیقی بزداید قرار دارد. وی که معتقد است که غرب، ایران را در معرض تهاجم فرهنگی قرار داده در ملاقاتی با یکی از وابستگان شورای جهانی موسیقی یونسکو گفت که «همکاری» دولت با صنعت موسیقی موجب شده است که موسیقی ایران در دامن ابتذال نیافتد. ۱۳

### توصیه‌ها

- کنترل روحانیت شیعه بر ارکان قدرت باید به شدت کاهش یابد و عضویت در مجلس خبرگان باید برای غیرروحانیان و زنان آزاد شود.
- قدرت شورای نگهبان در تأیید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری و عضویت مجلس باید از میان برداشته شود.
- دولت باید از احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی حمایت مالی کند. این کمک که در زمان ریاست جمهوری خاتمی عرضه می‌شد، با روی کار آمدن احمدی نژاد قطع گردیده است. از این گذشته دولت نباید سازمان‌های غیردولتی را عامل بیگانه و جاسوس معرفی کند.
- دولت باید استانداردهای خود را برای مقابله با پارتی بازی، به ویژه در رابطه با محول کردن پست‌های دولتی به اعضای پیشین سپاه پاسداران، ارایه کرده و به آن‌ها عمل کند.

- حکومت باید به آزادی بی‌قید و شرط بیان احترام بگذارد، از تعقیب قانونی روزنامه‌نگاران، مسئولان و دبیران پایگاه‌های اینترنتی و دیگران به جرم بیان مسالمت‌آمیز دیدگاه‌های خود دست بردارد، به کنترل مستقیم خود بر رسانه‌های دیداری و شنیداری پایان بخشد و بازبینی و پیش‌خوانی کتاب‌ها و فیلم‌های آماده چاپ و اکران را به منظور سانسور آن‌ها متوقف کند.
- قانون مطبوعات باید بی‌طرفانه و بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و سلیقه‌های سیاسی مورد استفاده قرار بگیرد و به یکسان در مورد روزنامه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی محافظه‌کار و اصلاح‌طلب به کار بسته شود.

### آزادی‌های مدنی

مصون بودن از شکنجه، حبس غیرموجه و ترور حکومتی: ۱,۱۴  
 برابری جنسیتی: ۱,۷۵  
 حقوق گروه‌های قومی، مذهبی و سایر گروه‌های متفاوت: ۲,۰۰  
 آزادی عقیده: ۱,۸۰  
 میانگین: ۱,۷۴

دولت ایران همچنان به نقض حقوق مدنی شهروندان خود ادامه می‌دهد. در ژوئیه ۲۰۰۵ قوه قضاییه رسماً به نقض حقوق زندانیان اعتراف کرد؛ اما گفت که قصد دارد از طریق اصلاحات اعلام شده به اوضاع سامان ببخشد. با این وجود هنوز خبرهای بسیاری پیرامون حبس انفرادی، بازداشت بدون اتهام و شکنجه گزارش می‌شود.

آزار زندانیان در زندان مخوف اوین چنان رایج است که چهار سازمان حقوق بشر در ایران رسماً از سازمان ملل خواسته‌اند که تیمی را برای تحقیق پیرامون وضع زندانیان به این زندان گسیل کند. بنا بر گزارش‌ها، زندانیان سیاسی در بند ۲۰۹ اوین، که به وسیله وزارت اطلاعات کنترل می‌شود، مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، از خوابشان ممانعت به عمل آورده می‌شود و از رسیدن دارو و مراقبت‌های پزشکی به آنان جلوگیری می‌شود. در سال ۲۰۰۶ وکیل برجسته‌ی حقوق بشر، عبدالفتاح سلطانی، به مدت هفت ماه در سلول کوچکی زندانی شد. دو ماه از این مدت را وی در سلول انفرادی گذراند. ۱۴ شکایت‌های متعددی به وسیله زندانیان صورت گرفته که مجرمان خشن با زندانیان سیاسی در یک سلول نگهداری می‌شوند و این مجرمان، در موارد بسیاری زندانیان را کتک می‌زنند.

بعد از چین، ایران بیشترین تعداد مجازات اعدام را دارد. در سال‌های اخیر سازمان‌های حقوق بشر مکرراً از اعدام نوجوانان و متهمین به جرایم غیرخسونت‌آمیز مانند زنا پرده برداشته‌اند.

کمتر ارگانی در ایران بازداشت‌های خودسرانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. شهروندان بدون تفهیم اتهام برای مدت طولانی به زندان می‌افتند و حتی به خانواده‌های آنان نیز خبری در مورد بازداشتشان داده نمی‌شود. بازداشت و حبس چهار ایرانی-آمریکایی با تابعیت دوگانه در بهار ۲۰۰۷ نمونه‌ی چنین برخوردی است.

البته از حق نباید گذشت که نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و سپاه به شدت با تبه‌کاری و جرایم خسونت‌آمیز علیه شهروندان، چه به وسیله مجرمین عادی و چه به وسیله تبه‌کاران سازمان یافته، برخورد و مقابله می‌کنند. با این وجود، این نیروها کفایت چندانی در مقابله با انواع دیگر تبه‌کاری مانند داد و ستد مواد مخدر، قاچاق گازوییل به کشورهای همسایه و جرایم شغلی از خود نشان نمی‌دهند. در اکتبر ۲۰۰۶ دادستان کل کشور به رابطه‌ی نه‌چندان خوب دفتر دادستانی و ارگان‌های وابسته به قوه قضاییه اشاره کرد و خواهان همکاری بهتری میان این سازمان‌ها در نبرد علیه تبه‌کاری سازمان یافته شد. ۱۵

شهروندان کمتر امکانی برای ادعای خسارت علیه دولت به دلیل نقض حقوقشان دارند. وقتی که در ۳۰ ژوئیه و ۶ سپتامبر ۲۰۰۶ دو تن از زندانیان سیاسی به نام‌های اکبر محمدی و فیض مهدوی به دلیل رفتار خسونت‌آمیز زندانبانان زندان اوین درگذشتند، آیت‌الله درّی نجف آبادی، دادستان کل کشور اتهامات وارده از سوی مردم و روزنامه‌نگاران را به سادگی و با گفتن اینکه «همه‌ی ما دیر یا زود می‌میریم» رد کرد. او گفت که مسئولین به خانواده‌های زندانیان هلاک شده تسلیت گفته‌اند و اضافه کرد که به باور او هیچ مأموری دانسته و سنجیده در زندان موجب مرگ کسی نمی‌شود! ۱۶

حمله به فعالان مسالمت‌جو و ناراضیان سیاسی مکرراً صورت می‌گیرد؛ اما دولت هیچ اقدامی برای متوقف کردن این حمله‌ها انجام نمی‌دهد. در محوطه‌ی دانشگاه دانشجویان منتقد و معترض اغلب مورد حمله‌ی دانشجویان بسیجی و متعصبانی که در خارج از محوطه دانشگاه بسیج شده‌اند، قرار می‌گیرند.

برابری جنسیتی در ایران هدفی دشوار و بلند پروازانه به‌شمار می‌آید. طبق قوانین اسلامی، زنان از حق برابر با مردان در زمینه ازدواج، طلاق، کفالت فرزندان، ارث و از این قبیل برخوردار نیستند. شهادت یک زن در دادگاه ارزشی مساوی نصف شهادت یک مرد دارد و زنان موظفند که از پدر یا شوهر برای سفر اجازه کتبی بگیرند. تبعیض جنسیتی علیه زنان در اماکن عمومی، که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۷۹ نهادینه شد، رو به افزایش دارد. از اوایل سال ۲۰۰۷ به این سو بحث‌هایی پیرامون احداث پارکی مختص زنان در تهران و بیمارستان‌های جداگانه مختص زنان و مردان در جریان بوده است.

کار کردن زنان در خارج از خانه که مدت‌ها (برای طبقات خاصی) در ایران تابو محسوب می‌شد و در واقع توهینی به مرد خانواده به حساب می‌آمد، اکنون مجدداً در حال افزایش است. طبق گزارش مجلس در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵، ۱۲ درصد از زنان در ایران شاغلند. با وجود این که نیمی از دانشجویان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند، بیشتر اینان پس از فارغ‌التحصیلی برای یافتن شغل دچار مشکل می‌شوند. گزارش مجلس می‌گوید که ۷۵ درصد زنان به کارهایی اشتغال دارند که هیچ ربطی به تحصیلاتشان ندارد. ۱۷ در اکتبر ۲۰۰۶ احمدی نژاد با گفتن اینکه زنان باید حداکثر به طور نیمه وقت کار کنند و بخش بیشتر وقت خود را به پرورش کودکان اختصاص بدهند موجب خشم بسیاری از زنان شد.

میزان اهمیتی که دولت به مسایل مربوط به زنان می‌دهد و سطح درگیری‌اش با این مسایل بمراتب پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. زنان می‌توانند کاندیدای عضویت در مجلس یا شوراهای محلی بشوند اما اجازه ندارند به عنوان کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس خبرگان شرکت کنند. فعالان زن بی‌وقفه در راه به دست آوردن برابری برای شرکت در انتخابات این دو ارگان کوشیده‌اند و می‌کوشند. در جریان انتخابات مجلس شورا ۲۰۰۴ دوازده زن به نمایندگی مجلس، که ۲۹۰ کرسی دارد، انتخاب شدند.

در ژانویه و فوریه ۲۰۰۷ طرحی برای سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاه مورد بحث مجلس قرار گرفت. در همان تاریخ دولت وبسایتی را که به جمع آوری امضاء علیه تبعیض جنسیتی اختصاص داشت تعطیل کرد.

تنش قومی در ایران در سه سال گذشته شدت یافته است و این خود بازتاب دهنده‌ی این باور در بین آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها و عرب‌ها است که پارس‌ها آنان را اقوامی به لحاظ فرهنگی و زبانی پست قلمداد می‌کنند. باید گفت که این تنش هنوز به مرحله‌ی جدایی خواهی نرسیده است.

رژیم تهران به تلفیق اقدامات امنیتی و تلاش برای آرام کردن تنش‌های قومی پرداخته و به تأکید می‌گوید که نیروهای آمریکایی و انگلیسی در عراق در صدد ایجاد ناآرامی در بین عرب‌ها، بلوچ‌ها و آذری‌های ایران هستند.

وقتی که در ۱۹ مه ۲۰۰۶ روزنامه‌ی دولتی «ایران» در تهران در کاریکاتوری سوسک را نشان داد که به آذری حرف زده بود، آذری‌ها به خیابان‌ها ریختند و تیریز را دستخوش ناآرامی کردند. حساسیت دولت نسبت به اعتراض آذری‌ها با توقیف روزنامه مشهود شد. حتی پس از چاپ دوباره‌ی روزنامه، به اصرار حکومت، اعضای هیئت مدیره‌ی آن تعویض شدند. در همین رابطه و برای کاهش تنش، احمدی نژاد و خامنه‌ای نطق‌های آشتی جویانه متعددی ایراد کردند.

در اقدامی که آشکارا برای رفع تنش و تنش انجام شد، احمدی نژاد به دیداری رسمی از آذربایجان غربی پرداخت و سه روز در آن استان ماند. سابقاً احمدی نژاد به استان‌های کردستان، بلوچستان و خوزستان نیز سفر کرده و به مردم این مناطق قول کمک‌های بیشتر دولتی داده بود. اما این وعده‌ی وی نیز همچون وعده‌هایش به مردم سی استان دیگر کشور به دلیل کمبود منابع مالی دولت برآورده نشده است.

حکومت به شدت با اقدامات تروریستی عرب‌های جدایی‌خواه در خوزستان برخورد کرده است. به گفته‌ی مقامات دولتی این تروریست‌ها به وسیله‌ی نیروهای انگلیسی در عراق به ایران گسیل می‌شوند. در نوامبر ۲۰۰۶ ده عرب خوزستانی به اتهام فعالیت علیه دولت به مرگ محکوم شدند. سه نفر از اینان در دسامبر ۲۰۰۶ و سه نفر دیگر در ۱۴ فوریه‌ی ۲۰۰۷ اعدام شدند. بنا به برخی گزارش‌ها اعدام اینان در مقابل بستگان‌شان انجام گرفته است. سه گزارشگر وابسته به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و چندین سازمان حقوق بشری دیگر، از جمله سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرده‌اند که محاکمه‌ی این افراد با استانداردهای جهانی همخوانی نداشته است. گزارشگران سازمان ملل اضافه کردند که محاکمه‌ها در واقع گونه‌ای دهن کجی به عدالت قضایی بوده و از متهمین به زور اعترافات گرفته شده است. ۱۸

گروه سنی و جدایی‌طلب «جندالله» در بلوچستان مسئول چندین حمله علیه هدف‌های دولتی، از جمله حمله به اتوبوسی حامل اعضای سپاه پاسداران در ۱۴ فوریه ۲۰۰۷ بود که در جریان آن ۱۱ نفر به قتل رسیدند. دستگیری‌های گسترده‌ی دولت در پی این واقعه فقط مردم را شاکی‌تر کرد.

مشکل بلوچ‌ها هم قومی و هم مذهبی است. بلوچ‌ها سنی‌اند و در ایران با سنی‌ها، که ده درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، با تبعیض رفتار می‌شود. در تهران حتی یک مسجد نیز برای سنی‌ها وجود ندارد. سال گذشته رهبران ایران مکرراً پیرامون درگیری بین سنی‌ها و شیعیان در عراق صحبت کرده، آن را محکوم نموده و بر همزیستی صلح‌آمیز این دو فرقه در ایران تأکید کردند. اما به نظر نمی‌رسد که این کار بیشتر از یک اقدام تبلیغاتی در واکنش به تنش‌های بین‌المللی چیز دیگری بوده باشد.

حکومت کنترل دقیقی بر روند انتصاب رهبران شیعه اعمال می‌کند و صلاحیت آنان را بر اساس وفاداری‌شان به جمهوری اسلامی و قوانینش محک می‌زند. روحانیان برای حفظ مقام خود مجبور به جلب تأیید حکومت هستند و هر گونه نشانه‌ای از عدم وفاداری در میان‌شان به عزل آنان منجر می‌شود. رژیم انتظار وفاداری از رهبران سنی و اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان نیز دارد؛ هر چند روشن نیست که در انتصاب و عزل اینان دخالتی داشته باشد.

قانون اساسی، زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان را به عنوان اقلیت‌های مذهبی به رسمیت می‌شناسد و پیروان این ادیان مجازند که مناسک مذهبی خود را به جا آورند؛ اما فعالیت این اقلیت‌ها تحت نظارت و کنترل دولت قرار دارد. کرسی‌های معینی در مجلس به این اقلیت‌ها اختصاص داده شده، اما آنان مجاز به احراز پست‌های بالای دولتی نیستند.

فرقه‌ی بهایی که با دویست و پنجاه هزار هوادار بزرگترین اقلیت مذهبی غیرمسلمان در ایران محسوب می‌شود، از داشتن هرگونه حقی محروم است. جمهوری اسلامی بهاییان را مرتد می‌داند. علت این است که اینان معتقدند که رسالت با محمد پایان نیافته و می‌تواند ادامه داشته باشد. بهاییان گاه به عنوان خطری امنیتی تلقی می‌شوند و علی‌رغم عدم شرکت در هر گونه فعالیت سیاسی، متهم به جاسوسی برای بیگانگان می‌شوند.

در نوامبر ۲۰۰۶، ستار هدایت‌خواه، عضو کمیته‌ی فرهنگی مجلس، به خبرنگار یکی از روزنامه‌های محافظه‌کار گفت: "بهایی‌گری مذهب نیست بلکه یک فرقه‌ی ساخته و پرداخته‌ی امپریالیسم است که اگر با آن مقابله نشود ذهن‌های جوانان ایرانی را مسموم خواهد کرد." ۱۹ شایعات مربوط به احیای فرقه‌ی ضدبهایی «حجتیه» در مطبوعات منعکس شده است. بهاییان متهم به ارتداد هستند. جرمی که طبق تعبیرهای تندروانه از اسلام مجازات مرگ دارد.

وضعیت بهاییان در طول دو سال گذشته رو به وخامت گذاشته است. بنا بر گزارش ویژه‌ی سازمان ملل، اسما جهانگیر، رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران در نامه‌ی محرمانه‌ای به وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و پلیس به تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۵ خواستار شناسایی و تحت نظر قرار دادن بهاییان به امر رهبر شده است. ۲۰

گزارش‌های انجمن جهانی بهاییان حاکی از تهدیدهایی فزاینده علیه اعضای این فرقه است. این تهدیدها شامل دستگیری ۵۴ بهایی در شیراز در مه ۲۰۰۶ و دستور وزارت اطلاعات به مقامات استانی در ماه اوت همان سال می‌شود که می‌خواست تا بهاییان را تحت نظر بگیرند و از «موقعیت مالی»، «معاشرت اجتماعی» و «روابط آن‌ها با گروه‌های بیگانه» به وزارتخانه گزارش بدهند. ۲۱ روزنامه‌ی محافظه‌کار «کیهان» که نزدیک به رهبری است در مقاله‌هایی مسلسل تلاش کرد که بهاییان را عامل بیگانه و جاسوسان اسراییل و آمریکا بنمایاند. ۲۲

ماده ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات را آزاد اعلام می‌کند. با این وجود، این ماده در عمل چندان به کار گرفته نمی‌شود. برای برگزاری تظاهرات و راهپیمایی باید از مقامات مسئول اجازه گرفت؛ و دادن اجازه منوط به تعبیر فرد اجازه‌دهنده، از این ماده قانون اساسی است. این ماده با ابهام می‌گوید که گردهم‌آیی نباید موجب آسیب رسیدن به «مبانی اسلام» شود.

طبق گفته‌ی مقامات، تظاهرات مسالمت‌آمیز زنان در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ به دلیل نداشتن مجوز مورد حمله‌ی پلیس قرار گرفت و تعداد بسیاری از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. عده‌ای مدعی شده‌اند که پلیس در این اقدام خود از خشونت بی‌رویه استفاده کرده است.

ایران عضو سازمان جهانی کار است و پیمان‌نامه‌ی سال ۸۷ این سازمان که در آن آزادی تجمع و سازماندهی محترم شمرده شده را امضاء کرده است. با این وجود، هیچ اتحادیه‌ی کارگری مستقلی در ایران وجود ندارد. اتحادیه‌های موجود از نزدیک و به دقت تحت نظارت دولت قرار دارند. با روی کار آمدن احمدی نژاد دولت به طور فزاینده‌ای در کار گزینش رهبران اتحادیه‌ها دخالت کرده است. به عنوان نمونه، در اوت ۲۰۰۶، وزارت کار انتخابات برای گزینش اعضای هیئت مدیره‌ی اتحادیه‌ی صنفی روزنامه‌نگاران را ممنوع اعلام کرد و این در حالی بود که سابقاً این اتحادیه شش بار دست به برگزاری انتخاباتی مشابه زده بود. ۲۳

در جمهوری اسلامی کارگران حق اعتصاب ندارند. منصور اسانلو، رییس هیئت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران- اتحادیه‌ای وابسته به فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل که به وسیله‌ی دولت ایران به رسمیت شناخته نشده، بیشتر سال ۲۰۰۶ را به جرم سازماندهی اعتصاب اتوبوسرانان در دسامبر ۲۰۰۵ در زندان گذراند. در جریان این اعتصاب صدها راننده‌ی اتوبوس و اعضای سندیکا نیز دستگیر شدند. ۲۴ دولت حتی به تظاهراتی که به وسیله‌ی اتحادیه‌های دولتی برگزار می‌شود نیز حمله می‌کند! در فوریه و مارس ۲۰۰۷، اتحادیه‌ی آموزگاران راهپیمایی‌هایی را در سطح تهران به منظور افزایش حقوق سازماندهی کرد. در جریان این راهپیمایی‌ها منشای اتحادیه و تعداد بیشماری از آموزگاران به وسیله‌ی نیروهای انتظامی دستگیر شدند. ۲۵

### توصیه‌ها

- شکنجه در قانون اساسی ایران ممنوع است. ایران باید به این ممنوعیت عمل کند و به طور جدی به اجرا کردن قانون ضد شکنجه، ضد اعتراف اجباری و ضد بازداشت خودسرانه مصوب سال ۲۰۰۴ بپردازد.
- مقامات قضایی باید به بازداشت نامحدود و بدون دادرسی افراد مظنون و حبس انفرادی طولانی پایان دهند و خانواده‌ی دستگیرشدگان را از مکان و وضع آنان مطلع کنند.
- قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان باید ملغا شود و آنان اجازه یابند که به مطالبه‌ی حقوق برابر خود با مردان بپردازند. قوانین فعلی کار در ایران تبعیض حقوقی بر پایه‌ی جنسیت را ممنوع دانسته و برنامه‌های کارآموزی برای زنان را مجاز می‌شمارد. دولت باید به این قوانین عمل کند.
- دولت باید تبعیض مندرج در قانون اساسی علیه بهائیان را پایان بخشد و برای اعضای این فرقه حقوقی مساوی با سایر ایرانیان قایل شود.

### حکومت قانون

استقلال قوه‌ی قضاییه: ۲, ۲۰  
اولویت قانون در پرونده‌های جنایی و مدنی: ۱, ۸۳  
پاسخگویی نیروهای انتظامی به مقامات غیرنظامی: ۵۰, ۱

دفاع از حقوق مربوط به دارایی و مالکیت: ۳,۶۷

برابری در برابر قانون: ۱,۶۷

میانگین: ۲,۱۷

قوه قضاییه متحد نزدیک رهبر است. رهبر، رییس این قوه را منصوب کرده و خطوط کاری آن را تعیین می‌کند. قوه قضاییه که مستقل از قوه‌های اجرایی و مقننه فعالیت می‌کند در گذشته بارها با دولت خاتمی درگیر شد و در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز در مواردی با دولت وی منازعه داشته است.

آیت‌الله حسن مرعشی، عضو مجلس خبرگان و معاون سابق این قوه در امور قضایی، ادعا می‌کند که قوه قضاییه نباید تحت تأثیر سیاست روز، چه اصلاح‌طلبانه و چه محافظه‌کارانه، قرار بگیرد و اقداماتش باید بیشتر بر مبنای منطق و اعتدال باشد. ۲۶ به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۷ در چند مورد قوه قضاییه به درخواست دولت برای تعطیل نشریه‌هایی که به شدت از دولت انتقاد می‌کردند عمل نکرد و تصمیم‌گیری در این موارد را به طور نامحدودی به تأخیر انداخت.

در همین راستا استقلال و کیلان نیز در معرض خطر است. در گذشته تعدادی از وکیلان به دلیل دفاع از زندانیان سیاسی و متهمین به جاسوسی به زندان افتاده‌اند. در حال حاضر لایحه‌ای در پیش روی مجلس قرار دارد که استقلال کانون وکلای را تهدید کرده و قصد دارد این سازمان را تحت نظارت و کنترل وزارت دادگستری دربیآورد. ۲۷ تصویب این لایحه به معنی نقض قانون اساسی خواهد بود که صریحاً به وکیلان اجازه می‌دهد که در مواجهه با قاضی از مردم دفاع کنند.

جمهوری اسلامی فقط در ظاهر از حکومت قانون دفاع می‌کند. قانون، به ویژه در ارتباط با «جرم‌های سیاسی» که اغلب شامل اتهامات نامشخصی مانند «ضربه زدن به مبانی نظام» می‌شود، پر از ابهام است. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ روشنفکران دانشگاهی و سازمان‌های غیردولتی که در تماس با خارج بودند به طور روزافزونی متهم به جرم‌های سیاسی شده‌اند. عده‌ای از اینان متهم به تلاش در راه به راه‌اندازی یک انقلاب مخملی در ایران از طریق تبلیغ دموکراسی شده‌اند. مصاحبه با رادیوهای خارجی (بی‌کسب اجازه) و ملاقات با اعضای سازمان‌های هوادار دموکراسی در خارج از کشور می‌تواند فرد را در معرض خطر جدی قرار بدهد. دریافت کمک مالی از این سازمان‌ها حتی به عنوان توطئه‌ی سیاسی قلمداد می‌شود. در سال ۲۰۰۰ وزارت اطلاعات لایحه‌ای پیرامون دفاع از حقوق مجرمان سیاسی را به مجلس فرستاد، اما این لایحه هرگز تصویب نشد. در فوریه‌ی ۲۰۰۶ مجلس خبرگان که در مشاجرات میان سه قوه قضاییه، مجریه و مقننه، نقش قاضی را ایفا می‌کند، از این سه قوه خواست که با یکدیگر همکاری کرده و لایحه‌ی جدیدی را به مجلس ارائه دهند. اما از اوت ۲۰۰۶ به این سو هیچ اتفاقی در این رابطه نیافتاده است. در همان زمان سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد که «دادگاه نیصلاح» برای رسیدگی به جرم‌های سیاسی در کشور وجود دارد؛ هرچند درک منظور دقیق وی از این اصطلاح دشوار است. ۲۸

مواد قانون اساسی در مورد روند درست پیگیری و پیگرد قضایی در کشور مکرراً و در موارد بیشماری نادیده گرفته می‌شود؛ مثلاً ممنوعیت دستگیری خودسرانه (ماده ۳۲)، حق دسترسی به دادگاه‌های نیصلاح (ماده ۳۴)، حق انتخاب وکیل و دریافت وکالت رایگان (ماده ۳۵)، فرض برائت (ماده ۳۷). از مهمترین موارد بی‌کفایتی دولت در اجرای این مواد و قانون‌ها، مورد علی اکبر موسوی خویینی، نماینده‌ی اصلاح‌طلب پیشین مجلس (ششم) و رییس شورای دانش‌آموختگان دفتر تحکیم وحدت، است. او در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ در جریان تظاهراتی به طرفداری از حقوق زنان دستگیر شد و مدت دو ماه را در زندان گذراند. حبس وی که «موقتاً» صورت گرفته بود به مدت دو ماه دیگر نیز تمدید شد. وکیل وی اعتراض کرده بود که در طول بازداشت موسوی، وی اجازه‌ی دیدار با موکل خود را نداشته است. به او در مورد اتهامات وی هیچ گفته نشده بوده و متهم، که بنا به گزارش‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته بوده، از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی محروم شده بود. ۲۹ موسوی خویینی پس از ۱۳۱ روز بازداشت عاقبت با سپردن وثیقه آزاد شد.

وکیلانی که از متهمین به اقدام علیه امنیت ملی دفاع می‌کنند، خود در معرض اتهام و خطر دستگیری قرار دارند. در سال ۲۰۰۶ هفت وکیل به این سرنوشت دچار شدند. این وکیلان که مسئول دفاع از متهمان به بمب‌گذاری تروریستی در اهواز بودند، به دلیل چاپ نامه‌ای اعتراضی در اینترنت، که در آن از دادگاه انقلاب به دلیل بی‌کفایتی در برخورد به پرونده و جلوگیری از ملاقات آنان با موکلانشان انتقاد شده بود، به وسیله‌ی دادستانی انقلاب اهواز به اقدام علیه امنیت ملی متهم شدند.

در فوریه همان سال پنج تن از اینان تبرئه شدند؛ ولی پرونده‌های دو وکیل باقیمانده به نام‌های جواد طاهری و فیصل سعیدی هنوز در جریان است. ۳۰

به سیاست آغستن فراگیر سیستم قضایی، حاکمیت قانون در ایران را به طور جدی به خطر انداخته است. مأموران دولتی که گاه به سوءاستفاده از قدرت و نقض حقوق بشر متهم می‌شوند، به ندرت هنگامی که مصدر کارند تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. این امر شامل حال توانگران مالی و سیاسی نیز می‌شود.

قانون، ارتش و سپاه پاسداران را از دخالت در سیاست منع کرده است. طبق قانون، مأموران انتظامی قبل از کاندیداتوری برای شرکت در انتخابات باید از مقام‌های خود استعفا دهند. با این وجود، تعداد بیشماری از اعضای پیشین سپاه در قوه‌های اجرایی و مقننه به کار مشغولند. سال گذشته رهبران اصلاح‌طلب هشدار دادند که تخطی از اجرای قانون در این زمینه می‌تواند کشور را در معرض خطرات جدی قرار دهد. در پی انتخابات شوراهای محلی در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۶ پانزده تن از اعضای اصلاح‌طلب مجلس به مصطفی نجار، وزیر دفاع، در ارتباط با پشتیبانی غیرقانونی فرماندهان بسیجی از برخی کاندیداهای محافظه‌کار اعتراض کردند. ۳۱

سپاه پاسداران و بسیج نگرانی‌های بسیاری را پیرامون نقض حقوق بشر موجب شده‌اند. نیروهای سپاه گاه برای مقابله با آشوب‌های ضددولتی فراخوانده می‌شوند. اینان می‌توانند شهروندان را بازداشت کنند و کنترل یکی از بندهای زندان مخوف اوین را در اختیار خود دارند. افسران سپاه در دانشگاه‌ها از «دانشجویان بسیجی» برای به هم زدن راهپیمایی‌های دانشجویان اصلاح‌طلب استفاده می‌کنند.

جمهوری اسلامی به پیروی از سنن اسلامی از حق مالکیت دفاع می‌کند. با این وجود، از اقلیت‌های قومی مانند عرب‌ها و بلوچ‌ها و اقلیت‌های دینی مانند بهاییان به راحتی و بی‌هیچ چشم اندازی برای جبران خسارت، خلع ید می‌شود. سوای این، عمل به مفاد قرارداد [احتمالی با اینان] به دلیل بی‌کفایتی قوه قضاییه و جنبه‌ی سیاسی عملکرد آن با موانع جدی روبرو است.

#### توصیه‌ها

- دولت باید زندانیان سیاسی را آزاد کند و این امر باید به ویژه در مواردی که «جرم سیاسی» قابل تعریف نیست، صورت گیرد.
- دولت باید بازداشت‌شدگان را از اتهامشان آگاه کند، به آنان اجازه دسترسی به وکیل بدهد و محاکمه‌ی اینان را، حتی در ارتباط با پرونده‌های مربوط به «امنیت ملی» به صورت علنی برگزار کند. تنها در این صورت می‌شود روند پیگرد و دادرسی قضایی را در ایران عادلانه کرد.
- دولت باید از حمله‌ی نیروهای امنیتی به راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز جلوگیری کند. دولت همچنین باید کنترل بیشتری بر اقدامات نیروهای بسیجی اعمال کند.
- حق مالکیت اقلیت‌های قومی و مذهبی باید محترم شمرده شود و دولت باید در موارد مربوط به سلب مالکیت و مصادره‌ی زمین خسارت بپردازد.

#### مبارزه با فساد و شفافیت

- ایجاد فضای مبارزه با فساد: ۱,۴۰
- قانون‌های موجود در رابطه با بخش خصوصی و دولتی و استانداردهای اخلاقی: ۲,۵۰
- شفافیت اقدامات دولتی: ۲
- میانگین: ۱,۸۵

فساد مالی و اقتصادی در ایران همه‌گیر است. نخبگان و بستگانشان سکان انحصارات مالی مشروع و نامشروع کشور را در دست خود دارند. مشارکت همه جانبه و افراطی دولت در اقتصاد- که خود نتیجه‌ی کنترل صنعت نفت به وسیله‌ی حکومت و ملی کردن صنایع عمده‌ی زمان شاه است - و اقتصاد برنامه ریزی شده- که حاصل سال‌های جنگ است - همکاری نزدیک بین منفعت جویان سیاسی و اقتصادی را ضروری می‌سازد. از این گذشته، جمع‌آوری مالیات به طور نامرتب و بی‌برنامه صورت می‌گیرد. این امر از یک سو نتیجه‌ی رشوه‌خواری گسترده و پارتی‌بازی، و از سوی دیگر، حاصل تک‌محصولی بودن اقتصاد ایران است: وابستگی دولت به نفت و وابستگی مالیاتی آن را کاهش می‌دهد و مطالبه عمومی برای مسئولیت‌پذیری حکومت در برابر مردم را فرومی نشاند.

خصوصی‌سازی صنایع دولتی به فساد بی‌حد منجر شده است. بنا به گفته‌ی محمد نهاوندیان، رییس اتاق بازرگانی تهران و معاون اقتصادی شورای عالی امنیت ملی، عدم شفافیت در خصوصی‌سازی صنایع راه را برای پارتی‌بازی هموار کرده و از رقابت سالم برای اعطای امتیاز جلو گرفته است. ۳۲

آیین نامه‌های به شدت بوروکراتیک و مأمورانی که حقوق کافی دریافت نمی‌کنند، موجب شده که رشوه‌خواری و دله دزدی به بخشی از زندگی هر روزی مردم بدل شود. در سال ۲۰۰۶ مرکز تحقیقات مجلس آماری را منتشر کرد که طبق آن ۴۰ درصد مدیران بخش‌های مختلف اعتراف کرده بودند که برای پیش‌برد امورشان ناگزیر از رشوه دادن هستند. ۳۳ قوانین مربوط به ناسازگاری منافع بین بخش‌های خصوصی و دولتی فقط روی کاغذ وجود دارد و به ندرت بعد اجرایی پیدا می‌کند. رهبران رژیم، مردم و مسئولین را به مبارزه علیه فساد و عدم شفافیت فرامی‌خوانند؛ ولی این فراخوان‌ها هیچگاه بعد عملی پیدا نمی‌کند. در تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۰۶، آیت‌الله خامنه‌ای حکمی صادر کرد و در آن از قوه‌های سه‌گانه خواست که به صورت سازمان‌یافته با فساد اقتصادی در کشور مقابله کرده و سوءاستفاده‌کنندگان از منابع دولتی، طمع‌کاران و انحصارطلبان را شناسایی کرده و از میان بردارند. او از اداره‌ی بازرسی کل کشور، اداره‌ی حسابرسی و وزارت اطلاعات خواست که به همکاری نزدیک بپردازند و گفت که قصور، قوانین متناقض، روندهای قانونی وقت‌گیر، سازمان‌های مسئول ولی بی‌کفایت، عدم شفافیت و عدم پاسخگویی مسئولین، مبارزه با فساد را دچار دشواری‌های جدی کرده است.

رییس قوه‌ی قضاییه، آیت‌الله محمود شاهرودی، مکرراً در مورد فساد در سازمان‌های دولتی و مالی صحبت کرده است. با این وجود، وی از فساد در «بنیاد»های مختلف که مسئولیت بخش مهمی از اقتصاد کشور را در دست دارند سخنی نگفته است. تعدادی از این بنیادها در پیوند با یکدیگر مجتمع‌های صنعتی بزرگی را بوجود آورده‌اند که هیچ‌گونه نظارت عمومی بر کارشان وجود ندارد و به وسیله «خودی»های رژیم مانند روحانیان ارشد، مسئولان و سیاستمداران پیشین، و رهبران سابق سپاه اداره می‌شوند. شاهرودی خواستار استفاده از قوانین روشن‌تر و به‌کارگیری شفافیت مالی و اجرایی برای مبارزه با فساد اقتصادی شد. ۳۴ سیستم پرعیب قضایی هیچ‌گونه پوشش امنیتی در اختیار کسانی که ممکن است به افشای فساد اقتصادی بپردازند، قرار نمی‌دهد.

رییس قوه‌ی قضاییه همچنین خواستار در اختیار عموم قرار گرفتن اطلاعات محرمانه‌ی دولتی و کاهش نقش سازمان‌های نظارتی که به گفته‌ی وی تلاش برای مبارزه با فساد را با اشکال مواجه می‌سازند، شد. او اضافه کرد که ماهیت دوگانه‌ی سیستم اقتصادی ایران که هم خصوصی و هم دولتی است، فساد را تغذیه می‌کند. وی همچنین به نقش سیستم پیچیده‌ی بانکی و گمرکی و مالیاتی در افزایش فساد اشاره کرد. با این وجود، وی به نحوه‌ی مقابله با این مشکلات هیچ اشاره‌ای نکرد. در همین حال شاهرودی در نطقی در مجلس گفت که در رسیدگی به پرونده‌های فساد، باید با مأموران قضایی، امنیتی و انتظامی، با احتیاط رفتار شود. ۳۵ وی دلیل این امر را «حساس بودن» موضوع اعلام کرد.

این برخورد محتاطانه تنها به این باور دامن می‌زند که مبارزه دولت با فساد به صورت همه‌گیر و بی‌غرضانه‌ای انجام نمی‌شود. بسیاری در مجلس و رسانه‌ها به این امر اعتراض کرده‌اند که مردم حتی مجاز به دانستن نام کسانی که به اتهام فساد مورد بازرسی قرار دارند نیز نیستند.

یکی از روزنامه‌های تهران در مقاله‌ای می‌نویسد که قوه‌ی قضایی حتی از اعلام شمار پرونده‌های مربوط به فساد که در دست بررسی دارد خودداری می‌کند. این روزنامه نتیجه می‌گیرد که قصد، نه مبارزه با فساد، که به دام انداختن مهره‌های

کوچک و از مهلکه به در بردن مهره‌های بزرگ است. ۳۶ در سال ۲۰۰۵، رییس مرکز تحقیقات مجلس، احمد توکلی، مدعی شد که حساسیت افراطی قوه قضاییه نسبت به افراد فاسد، مبارزه با فساد را دچار اخلاص کرده است. ۳۷

سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه و ارگان‌های نظارت که در مجموع مؤسساتی بیپه‌وده و بی‌کفایتند، موجب عدم کارایی جدی سازمان‌های دولتی شده‌اند. برای نمونه، دادگاه حسابرسی کشور که تحت نظارت مجلس قرار دارد تنها ارگانی تشریفاتی است؛ چرا که قاضیان منصوب قوه قضاییه مکرراً احکام آن را لغو می‌کنند. دو سازمان دیگر که در همین حیطه کار می‌کنند، یعنی سازمان حسابرسی و سازمان بازرسی کل کشور، در کار این دادگاه مداخله و اخلاص می‌کنند. گاهی چندین ارگان بازرسی همزمان به کار رسیدگی به پرونده‌های مشغولند. ۳۸

یکی از معاونان مجلس که مسئول نظارت بر کار دادگاه حسابرسی کشور بود در دسامبر ۲۰۰۵ موارد بسیار از حیف‌ومیل در سازمان‌های دولتی را افشا کرد. او به عنوان نمونه از سازمان دولتی مخابرات نام برد که شرکتی را به قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت اصلی به بخش خصوصی فروخته است. وی همچنین افشا کرد که وزیر تعاون ۴۵۰۰ سکه‌ی طلا به وابستگانش هدیه داده است! وی افزود که هر چند دادگاه‌ها چندین نفر را به جرم فساد به مجازات محکوم کرده‌اند، اما این مجازات‌ها عملی نشده است. ۳۹

علی‌رغم وعده‌های احمدی نژاد به ریشه کن کردن «مافیای نفت»، صنعت نفت هنوز بهترین مکان برای حیف و میل و فساد است. در ژوئن سال ۲۰۰۶ دادگاه حسابرسی اعلام کرد که ۶ میلیارد دلار از درآمد نفتی ایران در سال پیش به خزانه واریز نشده است. ۴۰

پیوند نزدیک میان احمدی نژاد و سپاه پاسداران موجب شده است که در سال ۲۰۰۶ سپاه، قراردادهای ساختمانی کلانی به ارزش ۷ میلیارد دلار با دولت ببندد. بخش مهندسی سپاه به نام خاتم الانبیا قراردادی به مبلغ سه میلیارد دلار برای توسعه حوزه‌ی نفتی پارس جنوبی با دولت امضا کرده است. این بخش همچنین قراردادهایی برای توسعه‌ی متروی تهران و نصب یک لوله‌ی ۹۰۰ کیلومتری گاز در خلیج فارس با دولت بسته است. همه‌ی این‌ها بدون شرکت در مزایده و انجام تشریفات قانونی صورت گرفته است. ۴۱

دولت تا حدودی این امکان را به مردم می‌دهد که به فساد اعتراض کرده و، به ویژه زمانی که پای مأموران دولتی در میان باشد، از آن شکایت کنند. شکایت‌های عمومی در سال ۲۰۰۶ زمانی که یک خط تلفن اضطراری به وسیله‌ی سازمان بازرسی کل کشور به منظور دریافت شکایت‌های مردمی برقرار شد، بیش از پانصد درصد افزایش یافت. ۴۲ محمود احمدی نژاد، که از جمله وعده‌های اصلی انتخاباتی‌اش مبارزه با فساد بود، در سفرهای استانی خود هر بار هزاران نامه‌ی شکایت آمیز از مردم دریافت می‌کند. این نامه‌ها ولی تاکنون تأثیری بر روند انجام کار نداشته است.

روند آماده سازی بودجه به وسیله‌ی دولت تقریباً شفاف است. دولت لایحه‌ی بودجه را به مجلس تقدیم می‌کند و مجلس در صورت تصویب، آن را برای تصویب نهایی به شورای نگهبان می‌فرستد. با این وجود، بودجه به جزییات نمی‌پردازد. از این گذشته حساب دقیقی از هزینه‌ها صورت نمی‌گیرد و این امر بدگمانی پیرامون پول درآوردن «خودمانی‌ها» از بودجه را دامن می‌زند.

### توصیه‌ها

- دولت باید اسامی مسئولان مظنون به فساد را اعلام کرده و به رسانه‌ها اجازه دهد که پیرامون آن‌ها گزارش تهیه کنند.
- دولت باید سازمان‌های زاید نظارتی را تعطیل کند و از این طریق رسیدگی به پرونده‌های فساد را سرعت و کیفیت بخشد.
- قوه قضاییه و سازمان‌های نظارت باید پیرامون فعالیت‌های خود در مبارزه با فساد به مجلس گزارش بدهند.

● خصوصی سازی صنایع دولتی باید به گونه‌ای شفاف و مطابق با قوانینی روشن و دقیق صورت بگیرد.

## نویسنده

استفان سی فربنکس متخصص مسایل مربوط به ایران است. وی سابقاً تحلیل گر وزارت امور خارجه آمریکا و مدیر بخش فارسی رادیو آزادی بوده است. او درجه دکتری خود را در رشته‌ی ایران شناسی از دانشگاه میشیگان گرفته است.

## پانویس

- ۱ در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) گزارش داد که وزارت اطلاعات قرار است لایحه‌ای را تا تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۷ به مجلس تقدیم کند تا ماه‌ها به وسیله نمایندگان مورد بحث قرار بگیرد.
  - ۲ «انکار حق شهروندی». اعتماد ملی. ۲۵ دسامبر ۲۰۰۶
  - ۳ «رییس دادگستری استان تهران پیرامون تقلبات انتخاباتی». خبرگزاری دانشجویان ایرانی. ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶
  - ۴ «سیاست حزبی و ضرورت آن برای ارتقا کارایی دولت». آفتاب یزد. ۲۱ ژانویه ۲۰۰۷. به این شماره‌ی آفتاب یزد و مقاله‌اش به طور گسترده در برخی روزنامه‌های اصلاح طلب بازتاب یافت.
  - ۵ «آرمین: مأموران وزارت اطلاعات باید به پاسخگویی در رابطه با اعمال هیئت مدیره بپردازند». آفتاب یزد. ۱۶ نوامبر ۲۰۰۶
  - ۶ مصباح یزدی: «فقط برخی از موارد مربوط به اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی آمده است». اعتماد. ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶
  - ۷ باقی: «پیوند جامعه زندانیان با دولت از هم گسسته است». اعتماد. ۲۱ ژانویه ۲۰۰۷
  - ۸ گروه بین المللی بحران. «ایران: ریاست جمهوری بی‌نظم احمدی نژاد». بروکسل. ۶ فوریه ۲۰۰۷
  - ۹ جوانفکر: «در پی تلسیس پایگاه اینترنتی رییس جمهور، نسل جوان بهتر با ایده‌های وی آشنا خواهند شد». آفتاب یزد. ۲۱ اوت ۲۰۰۶
  - ۱۰ دادستان کل کشور: «هیئت نظارت بر مطبوعات می‌تواند به طور وقت نشریه‌ها را توقیف کند». حمایت. ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶
  - ۱۱ علی رضا احمدی: «رقابت میان بخش‌های خصوصی و دولتی». مردمسالاری. ۴ اکتبر ۲۰۰۶
  - ۱۲ «آرش سیگارچی به مدت یک ماه از زندان آزاد شد». آفتاب یزد. ۲ اکتبر ۲۰۰۶
  - ۱۳ سفر هرندی: «موسیقی در ایران هرگز ابتذال را تبلیغ نخواهد کرد». ایرانا به انگلیسی. ۹ ژانویه ۲۰۰۷
  - ۱۴ گلناز اسفندیاری، «ایران: گروه‌های حقوق بشر می‌خواهند از زندان اوین بازدید کنند». رادیو آزادی. ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶
  - ۱۵ «دادستان کل کشور از نحوه‌ی رسیدگی به جرایم سندیکاها تبه کاری انتقاد کرد». حمایت. ۲ اکتبر ۲۰۰۶
  - ۱۶ «دادستان کل کشور: «هیئت نظارت بر مطبوعات می‌تواند به طور موقت نشریه‌ها را توقیف کند». حمایت. ۱۹ سپتامبر
  - ۱۷ «رییس کمیته زنان و خانواده مجلس: ۷۵ درصد زنان به کارهایی اشتغال دارند که هیچ ربطی به تحصیلاتشان ندارد». حمایت. ۳ دسامبر ۲۰۰۵
  - ۱۸ گلناز اسفندیاری، «کارشناسان سازمان ملل قویا از تهران خواستند که متهمان عرب را اعدام نکنند». رادیو آزادی. ۱۵ ژانویه ۲۰۰۷
  - ۱۹ هدایت خواه، عضو کمیته فرهنگی مجلس: «مسئولان باید خطرات بهایی‌گری را جدی بگیرند». سیاست روز. ۱۲ نوامبر ۲۰۰۶
  - ۲۰ گلناز اسفندیاری، «ایران: سازمان ملل و ایالات متحده نگران وضع بهاییان هستند». رادیو آزادی. ۳۰ مارس ۲۰۰۶
  - ۲۱ جامعه جهانی بهاییان، «ایران دیده بانی مخفی بهاییان را افزایش می‌دهد». خبرنامه. ۲ نوامبر ۲۰۰۶.
- <http://www.bahai.org/persecution/iran>.
- ۲۲ کیهان «نقشی که راز بهاییان را آشکار می‌کند». کیهان. ۲۷ ژانویه ۲۰۰۷
  - ۲۳ ساناز الله بدشتی، «تلاش برای تحت کنترل درآوردن مؤسسات مدنی». اعتماد ملی. ۵ اوت ۲۰۰۶
  - ۲۴ «یکی از رهبران اتحادیه‌های کارگری ربوده شد». بی‌بی‌سی. ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷
  - ۲۵ شیراز عبداللهی، «آموزگاری در مدرسه دستگیر شد». اعتماد ملی. ۱۷ آوریل ۲۰۰۷
  - ۲۶ «آیت‌الله مرعشی: تا زمانی که فقر وجود دارد فساد وجود دارد». آفتاب یزد. ۲۸ ژانویه ۲۰۰۶
  - ۲۷ ایرج جمشیدی: «تهدید استقلال کانون وکلا». اعتماد. ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶
  - ۲۸ کریمی راد: «جرم سیاسی تعریف شده است». مردم سالاری. ۲۷ اوت ۲۰۰۶
  - ۲۹ «وکیل موسوی خویی خواستار رسیدگی پزشکی مستقل به موکلش شد». آفتاب یزد. ۲ اکتبر ۲۰۰۶
  - ۳۰ «دادگاه، پنج وکیل حمله‌ی تروریستی اهواز را تبرئه می‌کند». خبرگزاری کارگران ایران. ۶ فوریه ۲۰۰۷
  - ۳۱ «پانزده عضو فراکسیون اقلیت مجلس از وزیر دفاع خواستند که پیرامون فعالیت‌های برخی فرماندهان نظامی توضیح بدهد». خبرگزاری فارس. ۲ ژانویه ۲۰۰۷
  - ۳۲ «ترس و امید». کارگزاران. ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶
  - ۳۳ «مرکز تحقیقات مجلس اعلام کرد: ۴۰ درصد مدیران ایرانی مجبور به دادن رشوه هستند». مردم سالاری. ۲ ژوئیه ۲۰۰۶
  - ۳۴ «رییس قوه قضایی خواستار شناسایی عواملی که موجب گریز بیسابقه سرمایه شده‌اند، شد». مردم سالاری. ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵
  - ۳۵ «جلسه غیر علنی مجلس به بحث پیرامون فساد در بخش‌های اداری و اقتصادی کشور پرداخت». ایرنا. ۲ نوامبر ۲۰۰۵
  - ۳۶ س. صادقی، «به پاسخگویی نیاز هست». ایران نیلی. ۱۹ نوامبر ۲۰۰۵

- ۳۷ «توکلی: قوه قضایی باید از شیوه‌ی علوی مبارزه با فساد بهره بگیرد و از خود ملاحظه و گذشت نشان ندهد». *ایران*. ۲۶ نوامبر ۲۰۰۵
- ۳۸ «دستگاه‌های اجرایی و اصلاحی رکورد فساد را شکستند». *یالثارات الحسین*. ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵
- ۳۹ همان.
- ۴۰ «عضو کمیته ۹۰ مجلس ادعا می‌کند که ۶ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی کشور ناپدید شده است». *سیاست روز*. ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶
- ۴۱ «سه قرارداد: ۷ میلیارد دلار: خاتم الانبیا، بزرگترین پیمان کار کشور». *اعتماد ملی*. ۱ ژوئیه ۲۰۰۶
- ۴۲ «رییس بازرسی کل کشور: عدم شفافیت در مبارزه با فساد خود موجب فساد می‌شود». *آفتاب یزد*. ۱۸ ژوئن ۲۰۰۶